خبر

در جلسه سران قوا اعلام شد:

بررسی پیشنهاد دولت برای مقابله با تحریم نفتی و هدایت نقدینگی

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت حفظ انسجام و هم‌گرایی قوای سه‌گانه در راستای حل‌وفصل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و مقابله با تحریم و توطئه دشمنان تأکید کرد: دولت با همکاری قوای دیگر، به‌دنبال گشایش در اقتصاد و معیشت مردم است و نخواهیم گذاشت توطئه دشمنان به ثمر بنشیند.

حسن روحانی عصر روز گذشته در پنجاه‌وسومین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه که با حضور رؤسای قوای مقننه و قضائیه، اعضای ستاد اقتصادی دولت و نمایندگان قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی برگزار شد، تأکید کرد: باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و اقدام کنیم تا مردم شریف ایران حس کنند مجموعه نظام برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی آنان در تلاش هستند و این موضوع در شرایط خاص و پیچیده اقتصادی امروز کشور، بسیار حائز اهمیت است.

رئیس‌جمهور ادامه داد: عبور از شرایط پیچیده‌ای که شیوع بیماری کرونا و تحریم دشمنان بر کشور تحمیل کرده، نیازمند اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی است که بتواند گشایش‌هایی را در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم ایجاد کند و در این راستا هر سه قوه در کنار هم با وفاق و هم‌گرایی تلاش می‌کنند.

روحانی با بیان اینکه امروز دشمنان علاوه بر تحریم و اعمال فشار، دنبال سیاه‌نمایی و ایجاد یأس، ناامیدی و دلسردی نسبت به آینده در میان مردم بوده و می‌خواهند با شایعه‌پراکنی، اختلاف و چنددستگی میان مسئولان را به جامعه القا کنند، اظهار کرد: همه مسئولان باید در گفتار و رفتار خود مراقب و هوشیار باشند تا بتوانیم توطئه دشمنان را خنثی کرده و امید و نشاط را در جامعه گسترش دهیم.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه سران سه قوه و دیگر مسئولان از پیشنهادها، انتقادها و راهکارهای همه متخصصان، کارشناسان و فعالان اقتصادی در مسیر بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی مردم استقبال می‌کنند، خاطرنشان کرد: بر اساس تجربه سال‌های گذشته، به‌ویژه دوسال‌ونیم اخیر مقابله با تحریم و جنگ اقتصادی دشمن، مطمئنا با اتکا بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود در کشور و حفظ انسجام و وحدت می‌توانیم از این مشکلات عبور کنیم.

در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، پیشنهاد مطرح‌شده از سوی ستاد اقتصادی دولت برای مقابله با تحریم نفتی و هدایت نقدینگی محل بحث و بررسی قرار گرفت و ضمن استقبال از این طرح، تصمیمات لازم برای نهایی‌شدن آن اتخاذ شد.

نگاه

پشت پرده توقیف روزنامه جهان صنعت

● یک منبع نزدیک به هیئت نظارت بر مطبوعات گفت: جعل در هویت رسمی منبع خبر و معرفی دروغین او به‌عنوان عضو ستاد ملی مقابله با کرونا، اعلام آمار نجومی ۳۲۰ هزار کشته کرونا در ایران! و سبقت‌گرفتن از رسانه‌های معاند در سلب اعتماد افکار عمومی از وزارت بهداشت به‌عنوان خط مقدم مقابله با کرونا، زیرسؤال‌بردن اقدامات کادر بهداشت در تشخیص و پیشگیری و مقابله با کرونا و ارائه اطلاعات کاملا جعلی و خلاف واقع، بدون مدرک و سند، مهم‌ترین دلیل تصمیم به توقف روزنامه جهان صنعت است.

این منبع اضافه کرد: در موضوعات متعدد و مسائل مختلف گذشته نیز در چندین نوبت تذکر شفاهی، کتبی و مذاکره حضوری با مدیرمسئول این روزنامه در ممانعت از اخبار خلاف واقع و جعلی انجام شد؛ با تأکید بر اینکه فضای نگران جامعه امروز بر اثر ابتلا به کرونا، نیازمند کمک به مقابله با این بیماری شوم است نه افزایش اضطراب و نگرانی مردم و بی‌اعتمادی به کادر درمان و بهداشت.

به گفته این منبع، وظیفه هر ایرانی حمایت از کادر بهداشت و درمان در راه مقابله با کرونا و تقویت اعتمادسازی دوسویه است و هر اقدامی که منجر به تضعیف مقابله با کرونا شود، قطعا منجر به افزایش آسیب به مردم خواهد شد.

شایان ذکر است آخرین رفتار غیرحرفه‌ای این روزنامه، انجام گفت‌وگو با یک کارشناس بهداشت محیط درباره «کرونا» در کشور بود که مصاحبه او را با عنوان جعلی «عضو ستاد ملی کرونا» منتشر کردند. درخور توجه اینکه آمار اعلامی از سوی این کارشناس غیرمرتبط و بی‌اطلاع، هفت برابر آمار اعلامی رسانه‌های معاند بوده که با هدف سلب اعتماد از مقابله با کرونا در ایران صورت گرفته است.

گفت‌وگو با سیدعلیرضا بهشتی

خروج از جنگ همه علیه همه

چرا رؤیای مردم لبنان برای دستیابی به توسعه تعبیر نمی‌شود؟

مهرشاد ایمانی: انفجار اخیر بیروت علاوه بر آنکه خسارات بسیار جانی و مالی به کشور تاریخی لبنان وارد کرد، این نگرانی را به وجود آورد که آیا نظام سیاسی این کشور یارای بازیابی خود را خواهد داشت یا خیر؟ خاصه آنکه دولت لبنان نه لزوما بعد از بحران اخیر بلکه از مدت‌ها پیش درگیر مشکلات اقتصادی بسیاری بوده؛ مشکلاتی که در مقاطع مختلف باعث نارضایتی و حتی اعتراضات گسترده مردم این کشور هم شده است؛ برای مثال از یاد نمی‌رود وقتی دولت لبنان به دلیل عدم توانایی در تأمین بودجه سال ۲۰۲۰ تصمیم به افزایش نرخ اقلامی مانند بنزین و تنباکو گرفت، مردم این کشور در خیابان‌ها دست به اعتراضات وسیعی زدند؛ اعتراضاتی که البته باعث شد تصمیم دولت اجرائی نشود. همه این مشکلات وقتی با انفجار مهیب بیروت همراه شد، باز هم زمینه اعتراضات مردمی را پدید آورد و همین است که پس از آن رخداد، خیابان‌های لبنان شاهد اعتراضات مردم این کشور شده است. در چنین شرایطی یک پرسش اساسی به وجود می‌آید: آیا مردم لبنان اولا رنگ آرامش را به خود می‌بینند و ثانیا به دولت مستقر دوباره اعتماد می‌کنند یا خیر؟ برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی و نیز بررسی شاخصه‌های نظام سیاسی لبنان همراه با فرهنگ حاکم در این کشور، ساعتی را با سیدعلیرضا بهشتی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی که مدتی هم برای پروژه‌ای مطالعاتی در این کشور زندگی کرده است، به‌گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

عکس: سهند تاکی، شرق

انفجار بیروت را چگونه می‌بینید؟ آیا این حادثه تلخ می‌تواند در آینده سیاسی این کشور تأثیرگذار باشد؟

عروس خاورمیانه این روزها سوگوار است؛ فاجعه‌ای ملی در ادامه سلسله مصائبی که دهه‌هاست خانه بختش را به ماتم‌کده‌ای بدل کرده و «کابوس‌های بیروت» را در امتداد شبی طولانی تداوم بخشیده است. لبنان قلب تپنده فرهنگ عربی-اسلامی است و بیماری آن، همه اندام‌های جهان عرب و دنیای اسلام را به درد آورده و می‌آورد. خیابان‌های بیروت، طرابلس، صور و صیدا در سال‌ها و ماه‌های اخیر، شاهد خیزش اعتراضی از نوعی جدید است که آن را از سنت رقابت‌های طایفه‌ای که تاکنون بر میدان سیاست آن سایه افکنده بود، متمایز می‌کند؛ خواست عمومی برخاسته از خشم و ناامیدی با هدف بازگشت سیاست به دامان ملت لبنان و رهایی از فساد و رکود اقتصادی. اینک پیر و جوان، زن و مرد، از طوایف گوناگون و ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف، در کنار یکدیگر ایستاده‌اند و سیاست‌مداران حرفه‌ای را که احزاب و سازمان‌هایشان دست در دست قدرتی منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای دارند، به جرم نادیده‌گرفتن منافع ملی کشورشان مورد بازخواست قرار می‌دهند.

آیا لبنان می‌تواند از بحران‌های عمیقی که به آن دچار شده بیرون بیاید؟

من اعتقاد دارم که می‌تواند. من تجربه یک سال زندگی در آن دیار به‌عنوان فرصت مطالعاتی داشته‌ام؛ در جامعه چندفرهنگی با اقشار و طوایف مختلف که در سال تحصیلی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ در دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه اسلامیه مجلس شیعیان لبنان، در خیابان‌های ضاحیه و اوضاعی و خلده، در صور و صیدا و بعلبک، در نشست و برخاست با دوستان و همکاران و همسایه‌های مسیحی، سنی، شیعه و دروز دریافتم که لبنانی‌ها یکی از توانمندترین مردمان منطقه هستند و می‌توانند با تکیه بر بلندهمتی و واقع‌بینی خود، پله‌های توسعه را یک به یک بپیمایند.

چرا این اتفاق نمی‌افتد؟

تلاش برای یافتن پاسخ را از مفهوم «لویاتان غایب» که دارون عجم‌اوغلو و جیمز رابینسون در کتاب‌شان با عنوان راه باریک آزادی مطرح کرده‌اند آغاز می‌کنیم؛ مفهومی که از قضا در همان کتاب، لبنان یکی از مصادیق آن برشمرده شده است. می‌دانیم که «لویاتان» نام موجودی افسانه‌ای است که از دل دریا بیرون می‌آمده و راه را بر کشتی‌ها می‌بسته است. تامس هابز، فیلسوف سیاسی انگلیسی سده هفدهم میلادی، حکومت را به این هیولای بزرگ تشبیه کرد؛ چراکه اعتقاد داشت با وجود محدودکردن آزادی افراد، یک «شر ضروری» است که کمک می‌کند جامعه از وضع طبیعی «جنگ همه علیه همه» بیرون بیاید و با تفویض قدرت به آن، نظم و امنیت و صلح را برای مردم، یعنی فرمانبرداران قدرت، تضمین کند. عجم‌اوغلو و رابینسون، با اصرار بر ضرورت حفظ آزادی انسان‌ها، از تمثیل هابز برای اثبات اینکه در صورت نبودن آزادی، هیچ جامعه‌ای روی توسعه و پیشرفت به خود نمی‌بیند، استفاده می‌کنند و چهار نوع «لویاتان» را توصیف می‌کنند: «لویاتان مستبد» که در آن قدرت در ید قاهره حاکم یا حاکمان است، «لویاتان مقید» که مردم بر قدرت حکومت لجام می‌زنند و موازنه بین قدرت شهروندان و حکومت در آن برقرار است، «لویاتان کاغذی» (با بهره‌گیری از اصطلاح «ببر کاغذی» مائو تسه تونگ) که در ظاهر حکومت وجود دارد اما امور در دست دیوان‌سالاران یا مافیاهای قدرت است و سرانجام «لویاتان غایب» که در آن حکومت عملا وجود ندارد و جامعه سیاسی در وضعیت ملوک‌الطوایفی قرار دارد. عجم‌اغلو و رابینسون خوانندگان خود را در یک سفر ۶۰۰صفحه‌ای به یک تور به‌لحاظ تاریخی و جغرافیایی گسترده می‌برند تا اثبات کنند که تنها نوع دوم، یعنی «لویاتان مقید» است که در دالان باریک آزادی قرار دارد و دروازه‌های توسعه به رویش گشوده است.

نظام سیاسی لبنان از کدام‌یک از این روش‌ها پیروی می‌کند؟

لبنان از زمان استقلال از حاکمیت فرانسوی‌ها در سال ۱۹۴۳، در موقعیت «لویاتان غایب» قرار گرفته است. نظام سیاسی لبنان بر اساس تقسیم و تسهیم قدرت شکل گرفت و بر اساس قانون اساسی آن، رئیس‌جمهور باید یک مسیحی مارونی، نخست‌وزیر یک مسلمان سنی و رئیس مجلس یک مسلمان شیعه باشد. مناصب دیگر نیز غالبا بر اساس پیوندهایی از این دست و تعلق به گروه‌های دینی و مذهبی شکل می‌گیرد. جالب اینکه بعد از سرشماری ۱۹۲۳، از انجام سرشماری خودداری می‌شود. حکومت اصرار بر «ناخوانا»ماندن دارد؛ چراکه داده‌های واقعی درباره تعداد پیروان هر دین و مذهب می‌تواند ناعادلانه‌بودن تقسیم و تسهیم قدرت را نشان دهد و در نتیجه، به شعله‌ورشدن جنگ و نزاع میان طوایف گوناگون بینجامد. کنفرانس طائف که برای پایان‌دادن به بیش از دو دهه جنگ داخلی برگزار و به امضای توافق‌نامه میان طرف‌های درگیر و خاتمه جنگ منتهی شد نیز به‌واسطه اعمال تغییراتی اندک در سهم سیاسی هر جامعه فرهنگی از قدرت، در بنیان حکومت تحولی به وجود نیاورد. به تعبیر عجم‌اوغلو و رابینسون، حکومت لبنان تعمدا ضعیف است تا از رهگذر آن، حکومت بر اساس تقسیم قدرت ممکن باشد؛ حکومتی که به هر طایفه اجازه می‌دهد رفتار دیگران را بپاید، به هر یک حق وتو داده شود و در نتیجه به بن‌بست در حکمرانی می‌انجامد که امکان اتخاذ تصمیم و اجرای آن در زمینه خدمات عمومی را از بین می‌برد. برای فهم این وضعیت، می‌توان از بحث بنیادین جان رالز، فیلسوف فقید آمریکایی، درباره تفاوت میان «مصالحه موقت» و «اجماع همپوش» یا متداخل به عنوان دو الگوی همکاری اجتماعی بهره گرفت. الگوی اول، یعنی مصالحه، از آن‌رو که بر اساس تقسیم قدرت و منافع حاصل از آن شکل می‌گیرد، ناپایدار است؛ چراکه هر یک از طرف‌های مصالحه، در کمین زمانی است که به علت ضعیف‌شدن دیگران یا تقویت قدرت خود، یعنی برهم‌خوردن توازن قوا، مصالحه را بر هم زند یا درخواست توافقی جدید بر اساس وضعیت جدید کند. الگوی مصالحه قدرت به‌خودی‌خود مبنای اخلاقی ندارد و حداکثر می‌تواند پیش‌شرط زندگی اخلاقی، یعنی جامعه‌ای در صلح به‌شمار آید. در مقابل، الگوی «اجماع همپوش» مبنایی اخلاقی دارد؛چراکه هدف آن دستیابی به یک چارچوب همکاری اجتماعی عادلانه است که در پرتو آن، شهروندان، ضمن حفظ هویت‌های متفاوت خود، نقاط اشتراک فی‌مابین خود را بیابند و فرایندهای تصمیم‌گیری کلان بر اساس آن اشتراکات شکل گیرد. اینجا دیگر تقسیم و تسهیم قدرت موضوعیت ندارد و در نتیجه توافق حاصل از آن، پایدار خواهد بود. این اجماع نظر، امری سیاسی است، یعنی توافقی عقلایی (در تمایز با عقلانی) که در آن حقانیت یا عدم حقانیت الگوهای زیستی که شهروندان از آنها پیروی و هویت خویش را از رهگذر آن تعریف می‌کنند نیز اساسا موضوعیت ندارد.

راه‌حل خروج نظام سیاسی از محدودیت‌هایی که ذکر کردید، چیست؟

در کتاب بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی به مقدار زیادی این الگوی دوم را توضیح داده و سنجیده‌ام؛ کتابی که پس از اتمام فرصت مطالعاتی و بازگشت به ایران به عربی ترجمه و در بیروت منتشر شد. در مقدمه نسخه عربی که آن را به امام‌موسی صدر اهدا کرده‌ام، بر اساس تجربه و مطالعاتم در لبنان و درباره لبنان، مخاطبان عرب‌زبان را به تأمل در فصل نتیجه‌گیری کتاب دعوت کردم؛ چراکه بن‌بست سیاسی در آن کشور و بعدها در عراق پساصدام را نتیجه بی‌توجهی به تفکیک دو نوع الگوی همکاری سیاسی که ذکر آن رفت، می‌دانستم و می‌دانم. باید توجه داشت که نظام سیاسی لبنان، نظامی دینی نیست تا مشکلات موجود را با دعوت به تفکیک دین از حکومت، حل‌شده فرض کنیم. اگر در مدل مصالحه موقت، به‌جای طوایف دینی، احزاب سیاسی یا گروه‌های قومی را قرار دهیم، نتیجه همان خواهد بود. در نظام‌های سیاسی مبتنی بر مصالحه موقت، طوایف صاحب قدرت، بر سازوکارهای حامی‌پروری استوارند و همه تلاش‌شان بر دستیابی به منابع ملی به‌منظور بهره‌مندی خود و حامیان‌شان متمرکز است؛ نوعی سیاست‌ورزی که بروز فسادهای مالی کلان نتیجه طبیعی، ساختاری و بافتاری آن است. همه کشورهای دنیای امروز چندفرهنگی هستند و نادیده‌گرفتن هویت‌های خاص به اتخاذ «سیاست طرد» می‌انجامد، درحالی‌که راه‌حل در طراحی «سیاست شمول» نهفته است. من راهی که امام‌صدر دنبال می‌کرد تا پایه‌ها و مایه‌های نوعی اجماع همپوش میان طوایف، گروه‌ها و احزاب سیاسی لبنان را فراهم کند، تنها راه نجات کشتی همواره در توفان سیاست در این کشورها می‌دانم. جالب اینجاست که مؤسسه مطالعاتی صدر که به همت خانواده او اداره می‌شود، همایش سالانه‌ای با عنوان «کلمه سواء» برپا می‌کند. این اصطلاح قرآنی به الگوی «اجماع همپوش» توجه دارد که به دنبال خود، امنیت، ثبات، همکاری همگانی بر اساس منافع ملی و در نتیجه شرایط پیشرفت و توسعه را پدید می‌آورد. تفصیل این مطلب صدالبته در این گفت‌وگو ممکن نیست، اما یافته‌های متأخر اندیشمندان سیاسی که در این زمینه اندیشه‌ورزی می‌کنند، ازجمله تأکید بر اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، مؤید برتری الگوی اجماع همپوش است؛ بنابراین، تنها راه خروج از انسداد سیاسی موجود در کشورهایی مانند لبنان و عراق را تحول نظام سیاسی از ابتنای بر مصالحه موقت به ابتنای بر اجماع همپوش می‌دانم.

و کلام آخر

نکته طلایی که بحث عجم‌اوغلو و رابینسون در بر دارد این است که از نظریه‌های کلاسیک و معاصر جبرگرایی تاریخی تبری می‌جوید و نقش افراد و جوامع در ورود، خروج و ماندن در راه باریک آزادی را منوط به کنش‌های اجتماعی آنها می‌کند؛ قانون‌مندی بنیادین و مهمی که این آیه قرآن نیز به ما یادآوری کرده است: «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم».

توصیه سخنگوی شورای نگهبان به نامزدهای ۱۴۰۰

رد صلاحیت در انتظار کدام نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری است؟

شرق: نشست خبری روز گذشته سخنگوی شورای نگهبان که با اخبار مهمی همراه بود از توصیه به عدم حضور نامزدهای ردصلاحیت‌شده در دوره‌های قبل تا تأکید بر تمایل شورای نگهبان برای گسترش حیطه نظارت بر نمایندگان مجلس و انتخابات شورای شهر، همگی اعلام موضع غیررسمی اما کاملا جدی شورای نگهبان در قبال این موضوعات تلقی شده است.

یکی از مهم‌ترین موضوعات این روزهای رسانه‌ها، انتخابات ۱۴۰۰ و نامزدهای احتمالی احزاب و گروه‌های سیاسی است و در این بین آمدن و نیامدن محمود احمدی‌نژاد بیش از همه مورد بحث بوده است. کمتر کارشناس سیاسی‌ای ممکن است از تمایل این فرد برای بازگشت به قدرت سخن نگوید. بسیاری از کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای معتقدند آمدن احمدی‌نژاد غافلگیرشان نخواهد کرد اما یک سد بزرگ در مقابل این فرد وجود دارد و آن احتمال رد صلاحیت مانند دوره قبل است. هرچند طرفداران او دلیل رد صلاحیت دوره قبل را در عدم توجه به توصیه مقام معظم رهبری در رابطه با نامزدی انتخابات می‌دانند و امید به تأیید صلاحیتش دارند اما منتقدان احمدی‌نژاد معتقدند او این دوره نیز با توجه به عملکردش چه در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش و چه در این سال‌ها، باز هم رد صلاحیت خواهد شد. همین گمانه‌زنی‌ها سبب شده نام او در فهرست نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده همچنان وجود داشته و نقدهای مختلف ادامه داشته باشد. اما ظهر دیروز کدخدایی تقریبا تکلیف را روشن کرد، هرچند تأکید داشت سخنان او موضع رسمی شورای نگهبان نیست. سخنگوی شورای نگهبان درخصوص اعلام برخی از اسامی برای ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ گفت: شورای نگهبان هنوز درگیر انتخابات نشده و در این زمینه ورود نکرده و اقدامی نیز نکرده است. از جهات قانونی افراد می‌توانند در هر زمان ثبت‌نام کنند اما می‌توان توصیه کرد افرادی که در گذشته رد صلاحیت شده‌اند، دیگر ثبت‌نام نکنند. همین جمله برای بسیاری یک معنای واحد داشت و آن پیشنهاد به محمود احمدی‌نژاد بود تا فکر نامزدی در انتخابات را از سر بیرون کند. سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چگونه فردی در یک دوره انتخابات تأیید صلاحیت و در دوره دیگری رد صلاحیت می‌شود، گفت: درباره صلاحیت افراد در شورای نگهبان رأی‌گیری می‌شود؛ یک دوره شاید تشخیص دهند که فردی رجل سیاسی است و در دوره دیگری شاید این تشخیص را ندهند. موارد رد صلاحیت را به خود افراد اعلام کردیم و ای کاش قانون این اجازه را می‌داد نسبت به افرادی که ادعاهایی را مطرح می‌کنند، به صورت شفاف مواردشان را اعلام کنیم.

موضوع بعدی نشست خبری دیروز که به جهت رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فضای باز برگزار شد، درباره اظهارنظر آیت‌الله جنتی درباره ضرورت نظارت دائمی شورای نگهبان بر نمایندگان مجلس بود که چندروزی است سروصدای زیادی برپا کرده است. کدخدایی در این رابطه نیز گفت: نظارت یک امر عقلانی است که در قانون اساسی و سیاست‌های رهبری هم آمده است. در گذشته هم قانونی برای تشکیل هیئتی برای نظارت بر عملکرد نمایندگان تشکیل شد و آن هیئت کارایی نداشته و پیشنهاد شده که نظارت دقیق‌تری باشد. در بین چهار سال مکانیسم‌های مختلفی ممکن است به وجود بیاید، هیئت نظارت بر عملکرد نمایندگان می‌تواند مؤثرتر و کارآمدتر باشد و قوانینی که درباره آنها بحث می‌شود جنبه پیشگیرانه‌اش بیشتر باشد.

با توجه به علاقه شورای نگهبان برای گسترش حیطه نظارتی خود و رفتار نمایندگان فعلی مجلس که سعی در حفظ رابطه خوشایندی با شورا دارند، دور نیست زمانی که طرحی در راستای تحقق منویات این شورا در مجلس یازدهم که مدعی استقلال و حریت بی‌مانند است، تصویب شود.

وی همچنین در واکنش به اظهارات «علی مطهری» مبنی بر اینکه نظرات پژوهشکده شورای نگهبان حریت مجلس را گرفته است، گفت: پژوهشکده شورای نگهبان یک پژوهشکده علمی است و استقلال قوای سه‌گانه را مخدوش نکرده و این حرف خنده‌دار است.

یکی دیگر از موضوعاتی که نشان از تمایل نمایندگان مجلس فعلی برای بسط قدرت و نظارت شورای نگهبان دارد، موضوع نظارت بر انتخابات شوراهای شهر است که با انتقادات بسیاری هم مواجه بوده است. سخنگوی شورای نگهبان در این رابطه نیز گفت: دو بحث است؛ یکی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و یکی نظارت بر نمایندگان.آنچه آیت‌الله جنتی اشاره کردند نظارت بر نمایندگان بود که من توضیح خواهم داد؛ نسبت به بحث اول دوستانمان در مجلس چنین نظری دارند که با توجه به اینکه مجلس سازوکار نظارت مؤثر در بحث انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را ندارد، این کار را به شورای نگهبان واگذار کنند. کدخدایی یادآور شد: در مصوبات مشابهی که در سال‌های گذشته برایمان ارسال شده بود، اعضای شورای نگهبان اشکال اصل ۹۹ را گرفتند؛ چون در آنجا به صورت حصری نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان نهاده است، از این جهت این ایراد را در گذشته گرفته‌ایم و باید منتظر طرح مجلس باشیم. اگر مثل طرح‌های گذشته باشد، شورای نگهبان آن را قبول نخواهد کرد. وی تأکید کرد: نظارت بر نمایندگان مجلس که ما مطرح کردیم، بحث شخصی شورای نگهبان نیست، بلکه موضوعی است که قانون اساسی تأکید کرده است.

کدخدایی در رابطه با مهم‌ترین مصوبات مجلس و دولت که در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، گفت: مصوبه مجلس درباره مالیات بر ارزش‌افزوده، ابهامات و ایراداتی دارد. شورای نگهبان این موارد را ایراد گرفته است و بررسی‌ها تا پایان وقت اداری امروز ادامه دارد و نتیجه نهایی به مجلس محترم اعلام می‌شود. وی درباره اصلاح قانون انتخابات گفت: امیدواریم مجلس همت کند و هرچه زودتر مصوبه را آماده کند تا اعلام نظر کنیم اما علاوه بر قانون انتخابات مباحث دیگری مثل وجود احزاب می‌تواند در توسعه بحث‌های انتخاباتی ما مؤثر باشد اما الزاما بحث احزاب با تصویب قانون حل نمی‌شود و ما نیازمند ارتقای فرهنگ حزبی هستیم؛ البته موضع شخصی من است نه شورای نگهبان. باید همه دستگاه‌ها برای حل مشکلات اراده جدی داشته باشند تا بتوانیم برخی از مباحثی را که در هنگام انتخابات به وجود می‌آید، حل کنیم. کدخدایی درباره الکترونیکی‌شدن انتخابات گفت: در این زمینه تحول خاصی اتفاق نیفتاده؛ البته با توجه به شرایط کرونایی رسیدگی‌ها در این روند شدت یافته است تا بتوانیم از طریق الکترونیکی هم اقدام کنیم و دوستان ما در وزارت کشور کارهای خوبی انجام داده‌اند. امیدواریم به نتیجه‌ای برسد و آنچه مهم است سلامت انتخابات و پاسداری از رأی مردم است و چه انتخابات الکترونیکی یا روش سنتی باشد، باید ما نگاهمان به پاسداری از آرای مردم باشد. وی افزود: هر مرحله‌ای که وزارت کشور در این زمینه به نتیجه برسند و سلامت مردم را به خطر نیندازد، ما آماده همکاری هستیم. کدخدایی افزود: پژوهشکده شورای نگهبان قبلا مطالعاتی درباره نظام پارلمانی داشته؛ اگر بحث جدیدی درباره ظرفیت‌های قانون اساسی مطرح شود، آمادگی لازم را جهت نظر مشورتی دارد. کدخدایی همچنین درباره طرح مالیات بر خانه‌های خالی اظهار کرد: مجلس یازدهم همت کرده و در حوزه معیشت قوانینی را به تصویب رسانده است و امیدواریم ادامه پیدا کند. طبیعتا طرح‌ها و لوایح مربوط به معیشت مردم نباید مغایر با شرع و قانون اساسی باشد و شورای نگهبان هم در این صورت آمادگی دارد آنها را سریع‌تر بررسی و تأیید کند.

ادامه از صفحه اول

سیاست‌پژوهی در مدیریت ویروس کرونا

... پتانسیل موجود آن و منابع محدود وزارت نیز صرف نمایش‌های بزرگ کم‌اثر فردگرایانه تحت عنوان کمپین و... که نقشی جز نمایش نداشت، شده بود و حال با بحران کرونا که فشار عظیمی را به کشور وارد می‌کرد، مواجه شده بود. بحران بزرگ‌تر از کرونا در نظام سلامت کشور بحران تاراج مدیریتی است. تسلط خانواده‌های سیاسی و جریان‌های سیاسی در کشور و انتخاب مدیران بدون توجه به توانمندی فکری و سیاستی و برنامه‌ریزی و اجرائی آنها یکی از ریشه‌های این بحران‌هاست. فساد علمی در نظام علوم پزشکی کشور که حاصل آلودگی سیستمی سیاست‌گذاری علمی و جذب و ارتقا که موجب ایجاد نظام پابلیش اور پریش از طرفی و خودارتقایی رتبه چهل‌وچهارها از طرف دیگر شده است و در نهایت اتلاف عظیم منابع کشور و تضاد منافع بی‌پایان در نظام تصمیم‌گیری سلامت و دارو و غذای کشور ریشه‌های تفکر و صداقت و اخلاص را در این نظام برای سال‌ها هدف گرفته است و امروز اگر فکری نشود نظام سلامت کشور را از پا می‌اندازد. این سیستم توانمندی بسیاری در برخورد با کارمندان زیردست و مدیران لایق و فنی و فاقد هرگونه استقلال در برخورد با مدیران ناتوان و بی‌کفایت از خانواده‌های سیاسی بالادست خود دارد و در زمانی هم که ناچار می‌شود بعد از ۲۰ سال تسلط مدیر ارشدی را جابه‌جا کند با سناریوسازی خستگی و استعفای ایشان و هزار نوع تعریف و تمجید انجام می‌گیرد و یکی از معاونان خود ایشان جایگزین می‌شود. بعضی از جریان‌های سیاسی در نظام سلامت کشور که سال‌ها منتقد و حساس برای نظام سلامت کشور بوده‌اند، در سال‌های گذشته با گرفتن سه، چهار پست برای بعضی از اعضای ارشد کمیته مرکزی خود و یحتمل امتیازات نامرئی در شرکت‌های دولتی و خصوصی خاموشی پیشه کرده و چشمان خود را بسته‌اند و نظاره‌گر این همه نابسامانی و فاقد هرگونه انگیزه و تفکر استراتژیک پیش‌برنده شده‌اند. همه اینها روی هم باعث وضعیت فعلی نظام سلامت کشور و خصوصا ضعف مفرط نظام پیشگیری آن شده است که امروز نتوانسته است جایگاه پیشینی خود را داشته باشد. آنچه در ایران در مبارزه کرونا حاصل شده است، بیش از آنکه حاصل برنامه‌ریزی استراتژیک نظام سلامت کشور و مواجهه علمی و پیشگیرانه آن باشد، نتیجه غیرت و همت تک‌تک کادر سلامت کشور و تک و توک مدیران ارزشمند و گاه برکنارشده آن در سال‌های گذشته بوده است و با نگاهی به ابلاغ‌های صادره از طرف وزیر محترم بهداشت که برای عده‌ای از پزشکان درمانگر یا داروساز تحت عناوین مختلف ستاد کرونا صادر می‌شود، نه‌تنها خلأ وجود دانشمندان علوم بهداشتی را نشان می‌دهد بلکه بیشتر نشانه غفلت سیستم از فهم جایگاه دانشمندان علوم انسانی چون اقتصاد، جامعه‌شناسی، رفتار و روان‌شناسی اجتماعی و علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی و علوم زیست‌محیطی دارد. این غفلت که منجر به غفلت سیستماتیک سیاستی و تکرار مکرر تجربه و خطا می‌شود، از دلایل عمده شرایط اسفناک موج دوم کرونا در کشور است.

اینجانب در مقالات قبلی به‌وفور به سیاست‌های موفق جهان در مبارزه با کرونا یا دلایل شکست آنها پرداخته‌ام و در این مقال درصدد تکرار آنها نیستم اما لازم می‌دانم به دلایل بروز وحشتناک این اپیدمی در اروپا و تفاوت غافلگیری در ایران و اروپا اشاره‌ای بکنم.

آنچه در ایتالیا و اسپانیا و انگلستان اتفاق افتاد و منجر به مرگ‌ومیر بالای کرونا شد و البته آمار آن نیز با حداقل دستکاری‌ها زیر نظارت رسانه و مردم به‌صورت روزانه منتشر می‌شود، بیشتر به دلیل گذار توسعه‌ای اروپا در بعد از جنگ جهانی دوم و گذشتن آنها از احتمال خطر عفونت‌های منتشرشده و توسعه نظام سلامت بر مبنای اکسلنت مدیسین یا پزشکی پیشرفته جهت جواب به بیماری‌های جوامع با امید به زندگی بالا و جمعیت انبوه سالخوردگان بود. بنابراین این کشورها که بر مبنای سیستم‌های بوریجی _ بیسمارکی طراحی شده‌اند و اصولا فاقد سیستم‌های پیشگیری از عفونت قدرتمندی بودند و هستند چون نیازی به آن نداشتند، به همین دلیل نیز دچار اشتباهات در محاسبه و تصمیم و اخذ سیاست‌های نامناسب و دچار آسیب‌های فراوانی شدند. از طرف دیگر سالخوردگان که در برابر کووید۱۹ اولین جمعیت آسیب‌پذیر هستند، درصد بالایی از جمعیت این کشورها را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین دو عامل ترکیب جمعیت و هدف‌گذاری سیستم برای اکسلنت مدیسین از طرفی و محدودیت‌های اولیه حقوق‌بشری و حقوقی در اجرا و انجام مداخلات پزشکی و دارویی و ورود به حوزه‌های خصوصی افراد از جمله موانع واکنش سریع در این کشورها در مواجهه با کووید۱۹ بود. البته قصه آمریکا موضوع متفاوتی است که بحران کووید۱۹ در آمریکا غیر از آنکه نتیجه سیستم اکسلنت مدیسین منفرد است...

ادامه در صفحه ۴